



شیخون فرهنگی... چه باید کرد؟!

دکتر عباس خالصی

و پنهان همچون امواج خروشان مهارناپذیر از مبدا فرستنده‌های قدرتمند غربی سراسر جهان فرامی‌رسد و مغزها و قلب‌ها و فرهنگ‌ها را درمی‌نوردد و خواهی نخواهی تأثیرات مثبت یا منفی و مخرب خود را به جامی گذارد. آری در این عرصه‌ی تهاجم و شبیخون فرهنگی و نسخ و مسخ ارزش‌های سنتی، ملی، معنوی و اخلاقی صرف‌نظر از سایر تأثیرات سیاسی، اقتصادی و نظامی و غیره، امری است که بی‌شک به عنوان معضل و مشکل بزرگی فراروی جوامعی همچون ماست. به همین دلیل آمادگی و رویارویی و تجهیز و تمهیدات متناسب و متقابل هم‌عرض را می‌طلبید که ما باید به آنها مجهز شویم و تا حد مقدور پیشگیری و درمان سازیم و از تأثیرات منفی و مخرب آن جامعه را در امان بداریم. امروز یکی از راه‌ها و ابزارهای عمده نفوذ و گسترش سلطه و تهاجم فرهنگی، فن‌آوری و یا به اصطلاح تکنولوژی‌های مدرن و پیشرفته است و

دستخوش آن گونه‌ترفنده‌ها و بازی خوردن‌ها نباشیم، با قرار دادن خود در موضع ضعف و ناتوانی و انفعال و به درست یا نادرست در تشخیص، مقهور و مهجور، دست روی دست می‌گذاشتیم! این نحوه نگرش، خوشبختانه امروز بسیار کم و محدود شده است، هوشیاری، مقاومت و چاره‌اندیشی به موقع و به جا تا حد شایان توجهی در مواجهه با انواع شگردهای سیاسی- فرهنگی چه از سوی مردم و چه دولتمردان، جایگزین آن پندارها گشته است. اما گسترش علل و عوامل و اسباب و ابزار پیچیده و پیشرفته و اشکال نوین سبطره و زورمداری و ظهور پدیده‌ی استعمار نوین و کوچک شدن جهان در سایه‌ی سرعت و سهولت سرسام‌آور ارتباطات و پیدایش افکار و اندیشه و فلسفه و روش‌های نوین و برخورد‌های سیاسی، عقیدتی، اقتصادی، فرهنگی، تکنولوژیک و الکترونیک با دستمایه‌های رسانه‌ای از سوی قدرت‌های برتر و قوی‌تر، هر لحظه و هر آن با شیوه‌های پیچیده پیدا

در جامعه ما رسم بر این بود که هر گونه اتفاق ریز و درشت، کوچک و بزرگ در کشور و جامعه رخ می‌داد، آن را بی‌هیچ تردید و مطالعه‌ای به دیگران نسبت می‌دادند و دست بیگانگان و ترنفنده‌های آنها را در آن رویداد دخیل می‌شمردند، مثلاً اگر کوچکترین اتفاقی حتی به دست عوامل خودی در کشور می‌افتاد، می‌گفتند کار، انگلیسی‌هاست. گو این که برداشت البته نه تا آن حد اغراق گونه در پاره‌ای موارد صحت داشت، اما این نوع برخورد انفعالی و از موضع ضعف و اقرار به ناتوانی بود. به فرض صحت تنها با تشخیص عامل یا عوامل خارجی صرف‌نظر از واقعیت آن کافی بود تا از سر عکس‌العمل و مقابله و تجهیز خودمان در برخورد با آن بگذاریم! با پنداشتن و انداختن گناه به گردن دیگران و با رخنه و رسوخ این پندار غلط در مردم به سهولت از آن می‌گذشتیم و به جای آن که به فکر چاره و پیشگیری از آن گونه رویدادها برآییم و

بیشتر در انحصار کشورهای توسعه یافته می‌باشد که از آن در تمام ابعاد و اشکال و مقاصد استفاده یا سوء استفاده می‌نمایند. آن قدر این غول مهاجم و تیزپا و فریبا به سهولت و سرعت و شتاب زدگی دست تجاوز و تطاول به سراسر گیتی دراز کرده و بجایی رسیده که حتی خود انسان بت ساز، مقهور و میخکوب این غول مهاجم شده است و انسانیت او نیز به زیر پای او لگدکوب! بله لگدمال پیشرفت‌های فنی، اقتصادی (تکنواکونومیک) مهارناشدنی آن غول خانمان برانداز!

بشر امروز در این راه و سراسیمی سقوط اخلاقی انسانی، از تعدی و تجاوز و تخریب محیط زیست زمین و ماورای جو گذشته از مغزها و جان‌های خود و دیگران، جان مایه می‌گیرد و تغذیه می‌کند و بر ضعف و فرسایش ارزش‌های انسانی و فربهی تکنوکراسی می‌افزاید!

خلاصه این که تهاجم فرهنگی با علل و عوامل و انگیزه‌های گوناگون، سیطره خود را به گونه‌ای فزاینده و فراگیر و مهارنشده به پیش می‌برد و جهان را در می‌نوردد که پس چاره چیست و چه باید کرد؟ و چه‌ها نباید کرد؟

تاسف‌بارتر این که این تهاجم و تعرض کما و کیفا بیشتر بر جان و دل جوان‌های ما اثر نامطلوب می‌گذارد و زمینه‌های ذهنی صاف و بی‌غش آینده‌سازان ما را تباہ و مکدر می‌سازد!

از طرز لباس پوشیدن، آرایش، گویش و برخورد‌های خانوادگی و اجتماعی گرفته تا برسد به مسایل عقیدتی و باورهای مذهبی، ملی، سنتی، فرهنگ، اخلاق و غیره که هم با اهداف اقتصادی و هم با مقاصد تهاجمی و فرهنگی اعمال می‌شود و عمدتا از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری گسترده جهانی و امواج الکترونیک هر لحظه به آنان می‌رسد و تاثیر می‌گذارد!

لزوم مقاومت به شیوه‌های مناسب و موثر تا حد ممکن از این هجمه‌ها از سوی ما و پیشگیری و مقابله با پاره‌ای اثرات سوء آنها از یک طرف و به جای خود، اما از سویی دیگر آنچه که لب کلام و هدف از این مقال است، نریختن آب به آسیاب گردانندگان این ماجراها و عدم تقلید و تکرار و پیروی آگاهانه یا ناآگاهانه از راه و روش آنهاست که متأسفانه آن گونه که باید و شاید رعایت نشده، بلکه به این تهاجم دامن زده می‌شود!

فرار از بعضی واقعیات جاری در زمینه نفوذ فرهنگی از طریق دستگاه‌های جادویی رایانه‌ای،

اینترنت‌ها و سایت‌های خبری و هنری! ماهواره‌ای و حتی به وسیله دستگاه‌های تلفن همراه، رونق بسیار اصطلاحات و تعابیر ناخواسته فرهنگی و مانند آنها تا حد بسیاری غیرقابل اجتناب و کنترل است! اما تکرار و اظهار همین گونه کلمات و واژه‌های بیگانه غیربومی و غیرفارسی و غیرلازم، به کرات و دفعات از سوی مجریان محترم صدا و سیما و مهمانان آنها و بخصوص نمایش ده‌ها فیلم و سریال‌های خارجی (و متأسفانه داخلی هم) به میزان گسترده‌ای در اشاعه و گسترش و تسهیل و ترویج این گونه تهاجم‌های فرهنگی و بدآموزی‌ها بسیار موثر بوده و هست!

سخن از فیلم‌ها و سریال‌های خارجی شد. آن دسته که بیشتر جنبه پلیسی و جنایی دارد و به تقلید از آن فیلم‌های ایرانی بخصوص تلویزیونی که در این راستا تهیه و بسیار عرضه می‌شود، یکی از جمله موارد تسهیل و ترویج تهاجم فرهنگی و اشاعه روند رشد خشونت و ناهنجاری‌های اجتماعی است که غالبا در بدآموزی و دامن زدن به نابسامانی‌ها در جامعه ما نقش گسترده‌ای را دارند! و می‌رود که هویت ما را خدشه دار سازد!

مردم کشور ما حتی تا به حال، الفت و آشنایی و علاقه‌ای به داشتن اسلحه‌ای گرم و کاربرد آنها نداشته و ندارند و این جای کمال خوشبختی است. حال پرسش در این است که تهیه و نمایش این همه فیلم‌ها و سریال‌های پراز خشونت، آدمکشی، جنایت، دزدی، جعل اسناد، فرار و حامل فریب و دروغ و خدعه چه معنا و مفهومی دارد؟ آیا نشان دادن سریال‌های چند قسمتی از این دست و همراه با بدآموزی به پیران و جوانان و نوجوانان و دختران و پسران جز این می‌تواند باشد که با حضور و دخالت نهایی پلیس بالاخره نتیجه بگیرند که

آری، پایان کارهای خلاف و جنایت کارانه بالاخره به دام افتادن و گرفتاری به دست پلیس است و زندان و محاکمه و مجازات! آیا واقعا ساعت‌ها آموزش‌های عملی خلاف کاری‌ها و جنایات و خطاها پیش روی جوانان و نوجوانان به آن نتیجه‌گیری می‌ارزد؟ بسیار فیلم و سریال را بخصوص در شبکه‌های تلویزیونی شاهدیم که سوژه فیلمنامه‌ی آن حاوی این گونه تباہی‌ها و حامل این گونه خشونت‌کاری‌ها و هیجانات کاذب می‌باشد! مردم ما آن قدر که به آرامش و سکون و فیلم و سریال‌های آموزنده، اخلاقی، هنری و شاد و خالی از خشونت و تباہی نیاز دارند، حداقل تا این حد علاقه‌مند و نیازمند به تشنج و هیجان و وحشت نیستند. و به علاوه به این ترتیب این دانشگاه سراسری و بسیار موثر، آن قدر ترندها و شگردهای نامساعد و ناهنجار و انحرافی را نباید نکته به نکته و مو به مو به این مردم بیاموزد که نتیجه‌گیری نهایی آن ولو مثبت، ابتدا با جریانات و تاثیرات طولانی و مخرب متن هم آوایی نداشته و توان خنثی‌سازی آن تاثیرات را در ذهن و افکار مردم بخصوص جوانان نخواهد داشت و مسلما تاثیرات

سوء و ناپهنجار آن به مراتب بیشتر و موثرتر است. بنابراین آیا گام نخست در مقابله با تهاجم فرهنگی تجدیدنظر اساسی در تهیه و ارایه و اجرای این گونه برنامه‌ها و نمایش‌ها نیست؟!

این که دیگر از پنجره و روزنه نفوذ مستقیم شرق و غرب به چشم و گوش فرزندان ما نمی‌رسد، این کارها دسترنج مستقیم خودمان است، لذا اگر خوب است ادامه دهید! و اگر نه، واقعا این گونه فیلم و سریال‌های بدآموز را تعطیل کنید! به علاوه آن که از ورود و نمایش فیلم‌ها و سریال‌هایی از این دست یعنی پلیسی، جنایی و رزمی حداقل تا این حد تجدیدنظر کنید و به جای آنها تلاش و همت خود را

می‌توانیم نسبت به آن بخش از تهاجم فرهنگی ناهنجار و نامطلوب غرب و شرق مقابله کنیم و نسبت به ارزش‌های معنوی و سنتی و قومی خود تا حد زیادی با جهان پیشرفته و فن‌آوری‌های نوین جهانی و آثار آن سازگاری و هماهنگی برقرار سازیم و کمتر دستخوش عوارض و اثرات تهاجم فرهنگی باشیم. باری از این که به اقتضای عنوان سخن، قلم بی‌اختیار شد و به سوی انتقاد از بخشی از برنامه‌های صدا و سیما در محدوده‌ی فیلم‌ها و سریال‌ها نشانه رفت، پوزش می‌طلبم و مسلما نباید و نمی‌توان به مجموعه‌های مفید و آموزنده و برنامه‌های سازنده‌ی فرهنگی این رسانه ملی، آن را تسری و تعمیم بخشید



در جهت مثبت‌گرایی، آموزندگی، اخلاق و تربیت و عشق و ایمان و مهربانی و انسانیت‌گرایی معطوف فرمایید.

خوشبختانه بدون اغراق، وارث تمدن و فرهنگی قوی چه در بعد ملی و چه مذهبی هستیم و در عرصه این فرهنگ کهن و پر بار جای بسیار برای مانورهای فرهنگی و آموزشی و اخلاقی و سرگرمی و هنری با بار بسیار مثبت و مفید برای عرضه به تمام اقشار و طبقات و سنین اجتماعی ماست، نه تنها در حد درون مرزی که بسیار در میزان برون مرزی هم ما دیگر از این بابت نه وامدار غرب و تسلط فرهنگی و تکنولوژیک آنها می‌توانیم باشیم و نه شایسته‌ی تقلید و دنبال روی و الگوگیری از آنها!!

آری با پشتوانه این فرهنگ دیرینه و اصیل

دانشمندان و فیلسوفانی چون بوعلی سینا، رازی، غزالی، طوسی، سهروردی، دهخدا و... هنرمندانی بنام چون کمال‌الملک، بهزاد و... سلاطین و حاکمان (خوش‌نام یا بدنام) که طی قرن‌ها تاریخ ما را رقم زدند و صاحب‌منصبان و وزرای آنها، سیاستمداران و دولتمردان و رزمندگان جدید و قدیم در این سرزمین و چه بسیار در عرصه‌های معنوی، دینی و مذهبی هم از قصص قرآن کریم، قصص انبیا، زندگی و راه و رسم و آثار ائمه اطهار، بزرگان دین و دانشمندان و علمای بنام، اساتید و فرهیختگان دیروز و امروز کشورمان و نیز تهیه و وارد کردن فیلم‌ها و نمونه‌هایی از زندگی بزرگان جهان از کشورهای مختلف دیگر و هزاران موضوع و مطلب مفید و موثر و آموزنده، پرداختن به این موارد به نحو بارز و موثری پیشگیری و درمان درد تهاجم و شبیخون فرهنگی است.

امید است این اظهارات مشفقانه از این قلم نارسا تا حد کافی بتواند مورد توجه مسوولین و دست‌اندرکاران عرصه‌ی فرهنگی کشور و رسانه‌ها و فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان و هنرمندان عزیز قرار گیرد و بخصوص زحمت‌کشانشان صلیوات شایسته صدا و سیما که بی‌نیاز از تذکر هستند.

همه بکوشیم چون سدی استوار در برابر تهاجم فرهنگی شرقی و غربی بایستیم و برای ایران بزرگ و عزیز و مردم شریف و نجیب این آب و خاک بیش از پیش خدمتگزار باشیم.

که آنها هر کدام به جای خود غالبا مفید و سازنده و آموزنده‌اند و شایسته‌ی تقدیر.

در پایان سخن به این حقیقت ممتاز فرهنگی اشاره کنم که استفاده از منابع غنی و بسیار گسترده فرهنگ کشورمان چه در عرصه ملی و چه مذهبی برای ساخت و ساز فیلمنامه‌ها و گفتارها و برنامه‌های خبری و آموزنده فرهنگی و اخلاقی، باز هم بیشتر از پیش جای کار و تلاش و سازندگی دارد تا ما را از واردات فیلم‌های مبتذل و ناخوشایند شرقی و غربی بی‌نیاز سازد و فراتر از آن، از تقلید و مشابه‌سازی و دنباله‌روی از آنها برحذر دارد. مانند استفاده از زندگی و آثار شاعرانی چون فردوسی، سعدی، نظامی، عطار، مولوی، محتشم، پروین، شهریار و... عارفانی چون شیخ ابوسعید، شیخ ابوالحسن خرقانی، بایزید بسطامی، شبستری، باباطاهر، شیخ بهایی و...

- استفاده از منابع غنی
- و بسیار گسترده فرهنگ
- کشورمان چه در عرصه
- ملی و چه مذهبی برای
- تدوین فیلمنامه‌ها و
- گفتارها و برنامه‌های
- خبری و آموزنده فرهنگی
- و اخلاقی، باز هم بیشتر
- از پیش جای کار و تلاش
- دارد
-
-
-
-
-
-
-